

## ساختار نظام برنامه‌ریزی در گفت‌وگو با «وطن امروز»: مشکل اصلی کشور نام سازمان برنامه یا معاونت نظارت راهبردی نیست

سعید رضوانی: در انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خرداد ۹۲، یکی از موضوعات مهمی که کاندیداهای ریاست‌جمهوری درباره آن با یکدیگر بحث و گفت‌وگو می‌کردند، احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بود. در واقع این سازمان که به دلایل مبهم و غیر کارشناسانه توسط رئیس دولت پیشین منحل و وظایف آن به معاونت نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری واگذار شد، توانسته بود در برهه‌های مابع ایجاد نوسانات و بحران‌های اقتصادی در کشور شود به همین دلیل برخی کارشناسان اقتصادی بشدت نسبت به انحلال این سازمان انتقاد کردند. در این میان برخی کارشناسان نیز اعتقاد داشتند مشکل اصلی کشور، نام و سیستم سازمان یا معاونت نیست بلکه مشکل اصلی، نظام برنامه‌ریزی اقتصادی در کشور است و تنها با اصلاح نظام برنامه‌ریزی می‌توان مانع بروز این مشکلات در کشور شد. فارغ از بحث اصلاح نظام برنامه‌ریزی در کشور، پس از انتخاب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به ریاست جمهوری، یکی از شعارهای اصلی وی احیای مجدد سازمان مدیریت بوده و هست. البته با گذشت بیش از یک سال هنوز تیم اقتصادی وی موفق به احیای این سازمان نشده‌اند و باید منتظر ماند و دید سازمان مدیریت چگونه قرار است در دولت یازدهم احیا شود. پروفسور احسان شریف‌زاده یکی از کارشناسان و متخصصان علم اقتصاد که هم‌اکنون مقیم فرانسه و در یکی از دانشگاه‌های این کشور مشغول تدریس است، به سوالات «وطن امروز» درباره احیای مجدد سازمان مدیریت پاسخ داد. وی سالیانی است درباره سازمان‌هایی مشابه سازمان مدیریت در جهان مشغول مطالعه و تحقیق است.

- \*\*\*
- آقای پروفسور لطفاً برای شروع بحث به طور اختصار در مورد تاسیس سازمان برنامه و بودجه سابق و سازمان مدیریت سابق توضیح دهید و بفرمایید چرا این سازمان تاسیس شد؟**

سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۲۷ با هدف تولیت امور مربوط به برنامه، بودجه و امور استخدامی و اداری کشور، تأسیس شد. در واقع این سازمان همزمان با تصویب برنامه ۷ سه‌ساله عمرانی اول با نام سازمان برنامه، پایه‌گذاری شد و با وجود تغییرات اندک در بدنه آن، بویژه ادغام سازمان برنامه و بودجه با سازمان امور اداری و استخدامی کشور پس از انقلاب نیز همچنان به عنوان نهاد نظراب برنامه‌ریزی و نظارت کشور، پابرجا ماند و در نهایت پس از گذشت ۵۹ سال، فعالیت این سازمان که نقش برنامه‌ریزی و نظرات راهبردی نظام اقتصادی و اجتماعی کشور را بر عهده داشت، با مخالفت رئیس دولت نهم مواجه شد و ۱۸ تیر ۱۳۸۶، با مصوبه شورایملی اداری، منحل شد. بر این اساس، امور بودجه‌ریزی، استخدامی و برخی از دیگر مسؤالیتهای هفتگانه این سازمان در قالب ۲ معاونت جدید و به طور مستقل زیر نظر رئیس جمهور پیگیری و سازمان‌های استانی مدیریت نیز از بدنه سازمان تفکیک شد.

■ **برخی کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند این کاری که در دولت نهم انجام شد، انحلال سازمان مدیریت نیست بلکه وظایف این سازمان را معاونت‌های رئیس‌جمهور برعهده گرفتند. آیا شما با کلمه انحلال موافقتید یا تغییر ساختار را می‌پسندید؟**

من معتقدم انحلالی صورت نگرفته است. فقط یک تبدیل وضعیت ساده انجام شده و در واقع سازمان به معاونت تبدیل شده و البته مقداری هم وظیفه و شکل محتوایی کارها تغییر کرده است.

■ **بنابراین چرا معاونتی که پس از این تغییر وضعیت ایجاد شد، توانست متمرکز واقع شود؟**

بناظر بنده، اصولاً نظام برنامه‌ریزی کشور ایراد اساسی دارد و ایجاد یا انحلال سازمان مدیریت، در این زمینه چندان تأثیرگذار نخواهد بود. در واقع باید به این سوال پاسخ داد که نظام برنامه‌ریزی که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق نیز انجام می‌گرفت، چقدر اثربخش بوده است. من تأکید می‌کنم تا زمانی که در قالب‌های گذشته حرکت می‌کنیم، نباید انتظار تحول و پیشرفت داشته باشیم. سوال محوری باید از چگونگی تدوین نظام برنامه‌ریزی اصولی باشد، نه اینکه چه نهاد و ارگانی مسؤول این برنامه‌ریزی است. به نظر من، متأسفانه هماکنون که برخی کارشناسان مطرح کرده‌اند، همچنان جامعه علمی کشور در بند حذف و اضافه کردن نهاد و ارگان است تا اصل موضوع. مساله این است که نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی فعلی ایراد اساسی دارد. برنامه‌های کشور ایستا و فارغ از نوسانات و رخدادهای بیرونی تنظیم می‌شود؛ در حالی که دنیای حمال حاضر، به صورت لحظه‌ای و مداوم در حال تغییر است. از این رو، نظام برنامه‌ریزی فعلی ایراد دارد و نباید انتظار داشت یا بجای آن با انحلال سازمان یا نهادهی، اوضاع شدت متحول شود.

■ **به هر حال از سال ۸۶ تاکنون سازمان مدیریت به آن شکل گذشته در کشور فعالیت نمی‌کند به همین دلیل برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند اگر این سازمان وجود داشت، شاهد چنین وضعیت اقتصادی‌ای در کشور نبودیم زیرا همانطور که در گذشته نیز مطرح بود این سازمان مانند ترمز عمل می‌کرد و می‌توانست جلوی برخی تصمیمات ناصحیح اقتصادی را بگیرد. نظر شما در این باره چیست؟**

همانطور که گفتم، این طور نیست که فقط یک سازمان در وضعیت اقتصادی کشور مؤثر باشد. در اینکه نبودن این سازمان باعث تسریع روند تصمیم‌گیری می‌شود شبکی وجود ندارد ولی این سرعت در

## پروفسور احسان شریف‌زاده در گفت‌وگو با «وطن امروز»: مشکل اصلی کشور نام سازمان برنامه یا معاونت نظارت راهبردی نیست

سازمان‌هایی مثل سازمان برنامه و بودجه یا سازمان مدیریت، دارای کارشناس‌های فراجحای هستند و از زاویه کلان‌تری به مسائل نگاه می‌کنند و مطمئناً نبود این سازمان، موجب می‌شود نتوانیم از این نظرات کارشناسی بهره‌مند شویم.

پس اجازه دهید بگویم نبود سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به مفهوم این است که نظام اقتصادی – اجتماعی کشور اتاق فکر ندارد و با توجه به تحولات اثربخش و سریعی که در دنیا اتفاق می‌افتد، لازم است ما سازهایی داشته باشیم که فارغ از مشغله‌های روزمره، فکر کند و بتواند با توجه به وضعیت جدید دنیا و لزوم حضور و تعامل بین‌المللی، جایگاه ما را در این دنیای جدید، البته با راهبردهای مورد نیاز، طراحی کند، زیرا اگر جایی را نداشته باشیم که تمام تحولات غلط یا درست را رصد کند، به ضرر همه ما تمام خواهد شد. ■ **به گفته مسؤولان دولت پیشین، تغییر وضعیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دلیل نقص‌هایی بود که در آن دیده می‌شد. به عنوان کارشناس و فردی که به طور تخصصی در این زمینه مطالعه و تحقیق کرده‌اید، به نظر شما چه مواردی باعث شد این تغییر وضعیت صورت بگیرد؟**

همانطور که می‌دانید و کارشناسان اقتصادی نسبت به آن اذعان دارند سازمان برنامه اول که اواخر دهه ۲۰ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد در امور اجرایی دخالت نمی‌کرد اما از آن سال‌ها به بعد شاهد دخالت سازمان برنامه در امور اجرایی کشور بودیم و در حالی که بنا نبود این سازمان در مسائل اجرایی دخالت کند ولی کم‌کم به موافقتنامه و تخصیص اعتبار، پرداخت‌های بی‌جایی در کار دستگاه‌ها می‌کرد. دخالت در اجرا باعث شد یک مقدار دستگاه اجرایی در تنگنا قرار گیرد و همین موضوع گاهی مشکلات بزرگی هم به وجود می‌آورد. مثلاً اگر دستگاهی قدرت چانه‌زنی بالاتری داشت، از امکانات بهتری هم برخوردار بود. خاصیت دخالت در امور اجرایی توسط سازمان برنامه، به وجود آمدن این فضا بود که این دخالت درست به نظر نمی‌رسید، چون دستگاه‌های اجرایی هم خودشان کارشناس دارند و سازمان باید کمتر دخالت می‌کرد.

با این حال، سازمان بعضاً با ندادن موافقتنامه و نگرداشتن درخواست‌ها، این زمینه را ایجاد کرد که دستگاه‌های اجرایی این سازمان را به عنوان مزاحم بشناسند. از سوی دیگر دولت که با استناد به اصل ۶۰ قانون اساسی و بویژه اصل ۱۱۶ آن، مسؤولیت امور برنامه و بودجه و امور استخدامی کشور را بر عهده دارد، از این حق قانونی خود استفاده کرد و در راستای تقویت و ارتقای نظام برنامه‌ریزی و نظارت در کشور، دستور انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را داد.

دولت وقت و برخی موافقان این تصمیم، انحلال این سازمان را نقطه عطفی در تاریخ برنامه‌ریزی ایران دانسته و معتقد بودند این عمل به دلیل عدم کارایی لازم در مدیریت بودجه کشور و در راستای ایجاد سازهایی کوچک، منعطف و کارا شکل گرفته است. از مهم‌ترین دلایل تغییر وضعیت این سازمان تغییرات پیاپی مدیریت بود به طوری که متوسط عمر مفید مدیریت در این سازمان کمتر از یک سال بود و این مساله عدم انسجام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در بر داشت همچنین تضاد عمیق بین سازمان مدیریت و وزارت اقتصاد و دارایی در یافتن راهبردهای اساسی و تشکیل معاونت برنامه‌ریزی استانداران به عنوان حرکت موازی با سازمان‌های برنامه‌ریزی در استان‌ها از دیگر دلایل این تغییر بود. البته سنتی بودن روش بودجه‌ریزی و استفاده از بودجه به عنوان اهم قدرت و ابزار کنترل به جای برنامه را نیز باید در بر، همچنین از دیگر اشکالاتی که در گذشته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وارد بوده است می‌توان به سخت‌گیری کارشناسان آن در فرآیند موافقتنامه اشاره کرد که این عامل، مشکلاتی را برای استانداران و وزیران به وجود آورده بود. از سوی دیگر، بسنا بر آن بود که این سازمان در ۳ دهه گذشته پیش از انحلال، ساختار تصمیم‌گیری کشور را عقلانی کند و روند تصمیم‌گیری را وارد فضای مدرن کند، در حالی که به دلیل تحقق کمتر از نیمی از اهداف برنامه‌های توسعه کشور، به طور کامل نقش مؤثری را ایفا نکرده. همچنین بنا بر گزارشی که در نشریات وابسته به سازمان مدیریت منتشر شد، مشخص نبودن جایگاه و نقش سازمان مدیریت



چرا بودجه‌ها عملیاتی نبود و بودجه‌های کشور در تحقق اهداف، اثربخشی چندانی نداشت. اعتقاد دارم باید قالب‌شکنی شود و بحث اصلی بر تحول نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور متمرکز شود. با وجود اشکالات ساختاری به نظر می‌رسد طرح لزوم احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در چند ماه آسازم، به دو دلیل صورت گرفته باشد؛ اول آنکه لایحه بودجه سال‌های اخیر با تأخیر بسیار به مجلس رسید و با توجه به شرایط اقتصادی کشور که نظم و انضباط مالی باید در صدر توجه مسؤولان باشد، لزوم حضور نهادهای متفکر و برنامه‌ریزی باید تسهیل کند و به سازمان و بودجه‌ریزی که تفکر غریب بر آن حاکم باشد، زیرا همه وظیفه برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه به واحدهای گوناگون در اقتصاد صرفی و وابسته به نفت، نتایج‌های جزر زورم‌گمی، بی‌ثباتی و اختلاف بین دستگاه‌ها نباشد و از طرف دیگر، باعث بروز لاسردی و یأس در مدیران نظام اجرایی کشور خواهد شد. فقدان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ضمن کاهش قدرت ارزیابی و سطح کار کارشناسی دولت، مشکلات متعددی را نظیر ناهماهنگی منابع و معسارف در بودجه‌های بعد از انحلال، عدم توسعه متوازن استان‌ها به دلیل پایین‌بودن سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><span><b>وقتی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ایجاد شد، یعنی سازمان برنامه‌ریزی به هر دلیلی کارایی لازم رانداشت. اصلاً ما به اسم کاری نداریم، مهم مأموریت و شرح وظیفه است و عدم کارایی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ناشی از این است که مدیریت و شرح وظیفه مجدد و اصلاح‌شده‌ای تدوین نشده‌اگر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کار خود را به خوبی انجام نمی‌داد و ما برای اصلاح برنامه‌ریزی را ایجاد کردیم، چسرا برای معاونت برنامه‌ریزی هیچ برنامه‌ای طراحی نکردیم و گذاشتیم هر کاری که خواست انجام دهد؟</b></span></div></div>	
<p>تشنکیلاتی و نیروی انسانی متخصص، توانسته بود تا حدودی انضباط مالی را بالا برده و ضمن حفظ تعادل و توازن در بودجه سالانه کشور، امکان جابه‌جایی سلیقه‌های ردیف‌های بودجه و فساد مالی و اداری را کاهش دهد. بنابراین در با نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت این سازمان و قبل از رجعت برای احیای آن، نیازمند بازآزایی و بازمهندسی جدی هستیم و لازم است انتظارات، مأموریت‌ها و خواسته‌ها از نظام برنامه‌ریزی کشور مشخص شود.</p> <p>■ <b>سازمان برنامه چگونه باید احیا شود؟ برخی معتقدند سازمان اگر می‌خواهد بازگردد، باید با سازوکار جدیدی و نه مانند گذشته، بازگردد. نظر شما چیست؟</b></p> <p>قبل از اینکه سازمانی احیا یا منحل شود، باید به چرایی آن فکر کرد و به دلایل متقن رسید. ابتدا باید انتظارات مشخص شود و اسپیشناسی از عملکرد برنامه‌های توسعه صورت پذیرد.</p> <p>مطالعات تطبیقی از نحوه برنامه‌ریزی در کشورهای موفق دنیا باید انجام شود تا نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی مدرن و کارآمد طراحی شود. سپس برای این نظام مدرن، در صورت احساس نیاز و ضرورت، نهادی متناظر با انتظارات جدید ایجاد شود.</p> <p>اکنون فرصت خوبی است، تیمی باید نسبت به گذشته سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از آن اول تا زمان انحلال و از زمان انحلال تاکنون، اسپیشناسی و بازنگری کرد و ببیند سازمان برنامه آن موقع چه کمبودهایی داشت و به چه اصلاحاتی نیازمند بود و در این مدت که نبود، چه پیامدهای ناگوار رخ داد و براساس آن، ساختار سازمان برنامه‌ریزی را طراحی کند. حتماً این موضوع را مدنظر قرار دهید؛ ما چند برنامه داریم که یکی از آنها برنامه چشم‌انداز است و دیگری سیاست‌های کلی اصل ۴۴. مثلاً ما اگر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را اجرا کنیم، وضعیت مملکت پس از اجرای این سیاست چگونه خواهد بود؟ اگر بخواهیم</p>	

### پروفسور احسان شریف‌زاده در گفت‌وگو با «وطن امروز»: مشکل اصلی کشور نام سازمان برنامه یا معاونت نظارت راهبردی نیست

# ساختار نظام برنامه‌ریزی در ایران باید تغییر کند

■ **برای احیای سازمان مدیریت نباید عجله کرد**

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را محقق کنیم، در زمان تحقق چشم‌انداز، وضعیت نظام اقتصادی، اجتماعی و اداری کشور چگونه خواهد بود؟ سازمان برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که کل کشور را طراحی، برنامه‌ریزی و اداره کند. بنابراین باید ساختار اصلی سازمان برنامه‌ریزی، منطبق با وضعیت آینده نظام اقتصادی و اجتماعی ایران باشد. حال در این فاصله نیاز داریم عوامل میان‌مدت و کوتاه‌مدت یا موقت درست کنیم. مثلاً ما یک دفتر خصوصی‌سازی داشتیم. در پایان سال‌های اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخش خصوصی ما باید فعال شده و دولت در حد لازم و منطقی خود باشد و صرفاً به اعمال حاکمیت بپردازد. پس ما باید در سازمان برنامه‌ریزی نهاد لازم را برای برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت بر بخش‌های مختلف اقتصادی، دولتی،

عطاوتی و خصوصی ایجاد کنیم تا به آنجا برسیم. باید تصریح کرد اقدامات عجولانه و شتاب‌زده مصداق افراط و تفریط است. احیای سازمان مدیریت اگر براساس برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور متمرکز شود. با وجود اشکالات ساختاری و به نظر می‌رسد طرح لزوم احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در چند ماه آسازم، به دو دلیل صورت گرفته باشد؛ اول آنکه لایحه بودجه سال‌های اخیر با تأخیر بسیار به مجلس رسید و با توجه به شرایط اقتصادی کشور که نظم و انضباط مالی باید در صدر توجه مسؤولان باشد، لزوم حضور نهادهای متفکر و برنامه‌ریزی باید تسهیل کند و به سازمان و بودجه‌ریزی که تفکر غریب بر آن حاکم باشد، زیرا همه وظیفه برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه به واحدهای گوناگون در اقتصاد صرفی و وابسته به نفت، نتایج‌های جزر زورم‌گمی، بی‌ثباتی و اختلاف بین دستگاه‌ها نباشد و از طرف دیگر، باعث بروز لاسردی و یأس در مدیران نظام اجرایی کشور خواهد شد. فقدان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ضمن کاهش قدرت ارزیابی و سطح کار کارشناسی دولت، مشکلات متعددی را نظیر ناهماهنگی منابع و معسارف در بودجه‌های بعد از انحلال، عدم توسعه متوازن استان‌ها به دلیل پایین‌بودن سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد.

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به

پاسخ سسوال در خود سوال نهفته است یعنی خود این سوال این ایراد را به معاونت وارد می‌کند که نقص‌هایی دارد. پس می‌توان گفت واقعاً ایرادی وجود دارد که شما هم این سوال را مطرح می‌کنید. در رابطه با اینکه چرا این معاونت نوانسته کارایی لازم را داشته باشد، معتقدم از توان کارشناسی، خوب استفاده نشد. البته شاید معدود نیروهای کارشناس هم در این معاونت حضور داشته باشند ولی آنچنان چشمگیر نیست. باید گفت سازمان برنامه یک نوع دانشگاه بود و افراد باید تلمذ می‌کردند تا کار یاد بگیرند. صرف اینکه فرد در دانشگاه درس خوانده باشد، کفایت نمی‌کند. آنجا افراد، هم بالادست و هم پایین‌دست، باید می‌موختند. به نوعی می‌توان گفت اصل کار سازمان برنامه همین کاندسارسی بود که به نظم مدیریت این کارسازمان را انجام نمی‌دهد. سازمان خاصیتش این است که یک مقدار باید استقلال داشته باشد. البته ممکن است به